

**یادداشت**

**روابط ایران و عراق؛ دوستانه اما پیچیده!**



**سیدجلال ساداتیان**  
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

رابطه ایران با عراق، رابطه حساسی است، چراکه بخش زیادی از جمعیت عراق، شیعه هستند و عتبات عالیات در عراق نیز برای ایران بسیار مهم است. مناسکی از جمله اربعین نشان می‌دهد که موضوع ارتباط دو کشور حتی در اقلشار مختلف مردم، تا چه حد حائز اهمیت است. عراقی‌ها آمار دادند که ۲ میلیون نفر و طرفین ایرانی نیز اعلام کردند که بیش از ۴ میلیون نفر در طول مراسم اربعین، وارد عراق شده و برگشته‌اند. موقعیت عتبات، در کنار مسأله حوزه علمیه نجف که سال‌های سال محل ارتباط مقام‌های مذهبی ایران و عراق بوده، از یکسو و مسأله صادرات و واردات بین دو کشور، از سوی دیگر، مهم است. در سال‌هایی که ایران تحت تحریم‌های شدید قرار داشت، روابط اقتصادی ایران و عراق تا حدودی تقویت شد. از سال برق و گاز، مواد غذایی و دیگر اقلام از ایران به عراق در سال‌های گذشته کاملاً رواج داشت، اما به محض اینکه، عراق شرایطی را تجربه کرد که روابط بهتری با اعراب و غرب پیدا کرد، همه کمک‌های ایران به دست فراموشی سپرده شد. این در حالی است که کویت تا رپایل آخر خسارت‌های تهاجم عراق صدامی را از عراق غیر صدامی گرفت. ما که اعلام کرده بودیم هزار میلیارد دلار خسارت جنگی دیدیم، با وجود پذیرش قطعه‌نامه سازمان ملل، نه تنها خسارتی در یافت نکردیم، بلکه، هزینه اضافی نیز ارائه کردیم، هر چند هزینه‌هایی مثل توسعه حریمین در عراق، با ارزش معنوی همراه است، اما ایران فارغ از مسائل مذهبی و شیعی، حمایت زیادی از عراق طی سال‌های اخیر انجام داده است. اکنون صحبت‌هایی از ریل بصره شلمچه به میان آمده تا بر اساس سخنان رئیس‌جمهور کشور ما، بار و کالا از مسیر ریلی جابه‌جا شود، این طرح را می‌توان طرح مثبتی دانست، اما عراق اکنون با مسأله‌ی شاید باید گفت بحران کردها روبه‌رو است. مسأله کردستان عراق برای ایران و عراق حائز اهمیت زیادی است. گرچه کردستان سوریه و کردستان ترکیه نیز، مناقشات داخلی و منطقه‌ای زیادی دارند. اما فعالیت برخی احزاب کرد عراق در مرزهای ایران باعث شده است، ایران و عراق وارد قرار داد‌های امنیتی شوند تا بتوانند وضعیت را تحت کنترل بگیرند. در نهایت همه این موارد گفته شد تا این نتیجه گرفته شود که روابط ایران و عراق تا چه حد درگیر پیچیدگی‌های گسترده است. اگر چه عراق در حال حاضر با ایران روابط دوستانه دارد، اما در عمل روابط ایران و عراق به سادگی پیش نمی‌رود و عراق با توجه به مناسبات منطقه‌ای و روابط خود با غرب و به ویژه ایالات متحده، در حوزه روابط بین‌الملل خود تصمیم‌گیری می‌کند. در آخرین ملاقات فواد حسین با امیر عبداللّه‌لیان، مقام بر مسأله امنیت تأکید شد. حفظ امنیت در منطقه، یک موضوع دوطرفه است و در صورتی محقق می‌شود که فواد حسین و عراق به تعهدات خود عمل کنند. در حال حاضر این ظن برای مقامات ایرانی وجود دارد که اسرائیل در مناطق کردنشین عراق نفوذ کرده است، تأکید ایران بر گسترش بازیکنان تاریخ فوتبال به شمار می‌رود نیز وجود داد. شاید اگر یک بازیگر مشهور سینمای جهان نیز به تهران سفر می‌کرد با استقبال مردم مواجه می‌شد. با این وجود آنچه در مدت حضور رونالدو در ایران رخ داد از بسیاری جهات در شأن مردم ایران و فرهنگ غنی آن نبود. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد ضعف شادی در جامعه ایران و افزایش میزان افسردگی‌هاست. به همین دلیل نیز مردم ایران با دیدن یک فوق ستاره فوتبال دست به حرکتی می‌زدند که زینبده فرهنگ مان نیست. دودین پشت‌سز اتوبوس حامل بازیکنان النصر و رونالدو، شکست در هتل و ایجاد هیاهو و سروصدا در محل اسکان تیم النصر از جمله اتفاقاتی بود که نیازمند بررسی و تأمل بیشتری است. ما باید از خودی این سوال را بپرسیم که چرا مردم ما دست به چنین اقداماتی زدند؟ در پاسخ باید عنوان کرد ما در زمینه مدیریت فرهنگی و ورزشی کارنامه ناموفقی از خود بروز داده‌ایم. این در حالی است که باشگاه‌های بزرگ فوتبال کشور خود را باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی معرفی می‌کنند. با این وجود هیچ گونه اقدام فرهنگی در ورزش ما صورت نگرفته است. چرا باید یک مدیر ارشد کشور با دخترش به استقبال بازیکن تیم رقیب برود و در پاسخ به انتقادات عنوان کند دخترم را بردم که از رونالدو بابت حمایت از مردم فلسطین سوال کنند. این چه توجیهی است که یک مدیر می‌کند؟

**در زمان حضور کریستیانو رونالدو در ایران اتفاقاتی رخ داد که با انتقاد زیادی مواجه شده است. دیدگاه شما درباره رفتارشناسی مردم ایران در مواجهه با این حضور چیست؟**

چهره‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف به خصوص در زمینه فوتبال و سینما در همه کشورهای جهان جایگاه ویژه‌ای دارند. این وضعیت درباره کریستیانو رونالدو به عنوان کسی که تاکنون پنج بار بهترین بازیکن جهان شده و یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال به شمار می‌رود نیز وجود دارد. شاید اگر یک بازیگر مشهور سینمای جهان نیز به تهران سفر می‌کرد با استقبال مردم مواجه می‌شد. با این وجود آنچه در مدت حضور رونالدو در ایران رخ داد از بسیاری جهات در شأن مردم ایران و فرهنگ غنی آن نبود. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد ضعف شادی در جامعه ایران و افزایش میزان افسردگی‌هاست. به همین دلیل نیز مردم ایران با دیدن یک فوق ستاره فوتبال دست به حرکتی می‌زدند که زینبده فرهنگ مان نیست. دودین پشت‌سز اتوبوس حامل بازیکنان النصر و رونالدو، شکست در هتل و ایجاد هیاهو و سروصدا در محل اسکان تیم النصر از جمله اتفاقاتی بود که نیازمند بررسی و تأمل بیشتری است. ما باید از خودی این سوال را بپرسیم که چرا مردم ما دست به چنین اقداماتی زدند؟ در پاسخ باید عنوان کرد ما در زمینه مدیریت فرهنگی و ورزشی کارنامه ناموفقی از خود بروز داده‌ایم. این در حالی است که باشگاه‌های بزرگ فوتبال کشور خود را باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی معرفی می‌کنند. با این وجود هیچ گونه اقدام فرهنگی در ورزش ما صورت نگرفته است. چرا باید یک مدیر ارشد کشور با دخترش به استقبال بازیکن تیم رقیب برود و در پاسخ به انتقادات عنوان کند دخترم را بردم که از رونالدو بابت حمایت از مردم فلسطین سوال کنند. این چه توجیهی است که یک مدیر می‌کند؟

**چرا معتقدید میزان شادی در جامعه ایران کم است؟**

شادی زمانی وجود دارد که مردم رفاه داشته باشند و از زندگی خوبی برخوردار باشند. این در حالی است که وضعیت زندگی مردم ایران سخت شده است و علاوه بر چالش‌های مهم اقتصادی آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی نیز در بین مردم بیشتر از گذشته شده است. شرایط اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم به شکلی است که به راحتی می‌توان به وخامت اوضاع پی برد و خط فقر را بر اساس واقعیت‌ها مشخص کرد. با گرانی گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر و... شرایط به شکلی شده که یک کارگر، کارمند یا بازنشسته با مشکلات جدی در تأمین مایحتاج زندگی خود مواجه شده است. در جوامع دیگر معمولاً سه لایه اقتصادی ضعیف، متوسط و خوب موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد که متأسفانه به خاطر رخدادها و شرایط یادشده در کشور ما، فقط دوطبقه غنی و فقیر وجود داشته و تقریباً اکثر نظریه پردازان جامعه‌شناسی اقتصادی، این طبقه‌بندی نظری را پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد برخی از مسئولان با واقعیت‌های جامعه آشنا نیستند یا اینکه به‌جای اینکه مسأله را حل کنند تلاش می‌کنند صورت مسأله را پاک کنند. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی امروز

**مجید ابهری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:**

**بحران‌های اجتماعی**

**در بزرگراه‌ها پروژمی‌کنند**

**حضور رونالدو در ایران مشکلات اجتماعی را از لایه‌های زیرین به لایه‌های بیرونی کشاند**

**جامعه‌ای که رفاه ندارد شادی هم ندارد**

**ما در زمینه مدیریت فرهنگی و ورزشی کارنامه ناموفقی از خود بروز داده‌ایم. این در حالی است که باشگاه‌های بزرگ فوتبال کشور خود را با باشگاه‌های فرهنگی و ورزشی معرفی می‌کنند. با این وجود هیچ‌گونه اقدام فرهنگی در ورزش ما صورت نگرفته است. چرا باید یک مدیر ارشد کشور با آن وضعیت با دخترش به استقبال بازیکن تیم رقیب برود در پاسخ به انتقادات عنوان کند دخترم را بردم که از رونالدو بابت حمایت از مردم فلسطین سوال کنند. این چه توجیهی است که یک مدیر می‌کند؟**

رفتار کنند که در نهایت به سود کشور باشد.

**چه ضعف‌های مهم مدیریتی در این زمینه وجود داشت؟**

حضور کریستیانو رونالدو به عنوان یک چهره بین‌المللی در ایران اگر چه یک اتفاق مثبت بود اما کاستی‌ها و ناکارآمدی‌ها را بیشتر به رخ کشید. از نحوه استقبال از وی در پایون فرودگاه و حضور عجیب و بی‌موقع مدیرعامل باشگاه پرسپولیس و دخترش به عنوان مترجم برای دیدار با بازیکن تیم رقیب که در دنیای فوتبال بر سوم نیست گرفته تا رفتار عجیب هواداران فوتبال و دودین پشت اتوبوس حامل تیم النصر و شکستن در هتل و هیاهو در جلوی هتل محل اقامت نشان داد ما هنوز در زمینه فرهنگ سازی با چالش‌های جدی و عمیقی مواجه هستیم. هر چند شهرداری تهران تلاش کرد با اقدامات غیر اصولی و نامناسب چمن ورزشگاه بود که بازتاب گسترده‌ای که ایرانیان مردمی فرهنگ دوست هستند، اما آنچه اتفاق افتاد خواسته واقعی مردم نبود. آسفالت محل عبور اتوبوس حامل رونالدو و دادن سیم کارتی که فیلتر نباشد نیز مزید بر علت شد تا حضور رونالدو در ایران با حواشی زیادی همراه شود و بسیاری را به تأمل وادارد که چرا برخی مسئولان در چنین موقعی نمی‌دانند چگونه باید عمل کنند چه رویکردی در پیش بگیرند. اعتراض رونالدو و دیگر ستاره‌های تیم النصر به وضعیت چمن ورزشگاه آزادی و صحبت‌های خبرنگار عربستانی درباره وضعیت زمین و تصویربرداری مسابقه پرسپولیس و النصر نیز حاشیه‌های دیگری بود که این سفر کوتاه برای کشور به همراه داشت. همه این مسائل نشان از بی‌برنامگی و عدم مدیریت صحیح در ورزش و فرهنگ کشور است. این در حالی است که برخی با توجه این موضوع تلاش می‌کنند صورت مسأله را پاک کنند.

**آیا زمان تجدیدنظر برای جلوگیری از این اتفاقات فرا ترسیده است؟**

بدون تردید حضور رونالدو در ایران ناکارآمدی مدیریت ورزش و فرهنگ را در جامعه ما به خوبی نشان داد. برخی مفسدان اقتصادی همراه با مدیران ناکارآمد با سرنوشت سیاسی جامعه بازی می‌کنند. نکته قابل تأمل اینکه برخی کشورهای همسایه ما نیز تورم و گرانی دارند. در برخی مواقع حتی میزان گرانی‌های آنها از ایران نیز بیشتر است. با این وجود به دلیل اینکه شبکه‌های معاند رسانه‌ای علیه آنها تبلیغ نمی‌کنند کسی از وضعیت آنها مطلع نیست. این در حالی است که شبکه‌های معاند خارجی شبانه‌روز وضعیت بازار ایران را آشفته و خراب نشان می‌دهند که این موضوع آسیب‌های زیادی به روان مردم می‌زند. شرایط به شکلی شده که گرانی‌ها و وضعیت اقتصادی مردم دیگر مسائل جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به‌عنوان مثال آلودگی هوا که آسیب‌های زیادی به سلامتی مردم می‌زند مورد توجه نیست و کسی نیز به آن توجه نمی‌کند. این در حالی است که آلودگی هوا که بیشتر ناشی از عدم برنامه‌ریزی و تصمیمات نادرستی بوده که در گذشته گرفته شد سلامتی مردم را با مخاطره مواجه می‌کند. دولت باید به‌جای حرف زدن، تعارف و تبلیغ از نخبگان و متخصصان استفاده کند تا مشکلات کاهش پیدا کند. اگر دولت می‌خواهد مشکلات مردم را حل کند باید بدون توجه به سلیقه سیاسی نخبگان و تنها بر اساس تخصصی که دارند از آنها استفاده کند.

**حضور رونالدو در ایران چرا می‌تواند یک بزنه‌نگاه برای جامعه باشد؟**

رونالدو به هر کشوری سفر می‌کرد با چنین شرایطی مواجه می‌شد و جوانان مشتاق فوتبال و دوستداران وی به استقبال وی می‌رفتند. در نتیجه استقبال از رونالدو اتفاق جدیدی نیست که در کشور ما رخ داده است. با این وجود نوع رفتاری که مردم ایران در مقابل این فوق ستاره فوتبال انجام دادند جای تأمل دارد. بی‌برنامگی و نداشتن مدیریت در این اتفاق موح می‌زد. این در حالی است که برخی مدیران ما به فکر جایگاه خود و خانواده خود هستند و دختر خود را به عنوان مترجم به پایون فرودگاه می‌برند. اتفاقی که در کمتر کشوری در جهان رخ می‌دهد. نکته دیگر اینکه چرا مسئولان زمانی به فکر آسفالت خیابان‌ها می‌افتند که رونالدو وارد ایران شده است؟ چرا در گذشته و برای رفاه مردم دست به چنین اقداماتی زدند؟ چرا شهرداری تهران که مدیران آن تا دیروز عربستان سعودی را دشمن سرخست می‌دانستند با حضور رونالدو به زبان عربی به وی و تیم النصر خوشامدگویی کردند؟ آیا این سوالات جای تأمل و تفکر ندارد؟ من به خاطر دارم هنگامی که پله به عنوان اسطوره فوتبال جهان به ایران سفر کرد نیز چنین صحنه‌هایی به وجود آمد. این در حالی است که اتفاقاتی که با حضور رونالدو در ایران رخ داد با بازتاب‌های گسترده‌ای در بین رسانه‌های منطقه و جهان همراه بود. بدون تردید بازتاب چنین حضوری وجهه یک ملت و فرهنگ را نشان می‌دهد که متأسفانه مدیران ما در ماجرای حضور رونالدو در ایران نمره قبولی نگرفتند و نتوانستند به شکلی

**نگره**

**شیطنت‌های آقای دبیر کل!**  
**رافائل گروسی در پی چیست؟**

دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تازگی بر شدت موضع‌گیری‌های منفی و تهاجمی خود علیه ایران افزوده است. وی به طور خاص اخیراً از تصمیم ایران مبنی بر عدم ارائه ویزا به برخی بازرسان آژانس انتقاد کرده و آن را عامل حذف شمار قابل توجهی از بازرسان با تاجر به آژانس در پرونده اتمی ایران ارزیابی کرده است. او همچنین از تشدید فضای بی‌اعتمادی در قالب روابط ایران و آژانس نیز سخن گفته و خواستار تغییر رویکرد تهران شده است. این قبیل موضع‌گیری‌های رافائل گروسی در شرایطی ایراد شده‌اند که این کشور در مدت اخیر، روند مثبتی را از منظر همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پیش گرفته و در واقع، پالس‌های مثبتی را از همکاری با این نهاد بین‌المللی ارسال کرده است. در این میان، یک سوال عمده و محوری مطرح می‌شود: پشت پرده موضع‌گیری‌های منفی رافائل گروسی علیه ایران در مدت اخیر چیست؟ به بیان ساده‌تر، گروسی از موضع‌گیری‌های اخیر خود علیه تهران چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ به نظر می‌رسد جهت پاسخ به این پرسش، توجه به ۴ مولفه ضروری به نظر می‌رسد.

**نیم‌نگاه گروسی به چشم‌انداز پایان تحریم‌های موشکی**

بایستی توجه داشت که در اکثر سال جاری، بر اساس چشم‌اندازهای لحاظ شده در توافق برجام، موعد پایان تحریم‌های موشکی و شمار دیگری از تحریم‌ها علیه کشورمان است. مسأله‌ای که تاکنون مقام‌های ترونیکی اروپایی از بهیچان به آن خودداری و تأکید کرده‌اند که همچنان به نظام تحریمی علیه ایران پایبند هستند. این در حالی است که این موضع‌گیری آنها در تضاد با تعهداتشان در قالب برجام است. در این چارچوب، اینطور به نظر می‌رسد که بخش قابل ملاحظه‌ای از موضع‌گیری‌های منفی رافائل گروسی علیه ایران، نگاه به چشم‌اندازهای پایان برخی تحریم‌ها علیه ایران در ماه اکتبر داشته و سعی دارد زمینه‌های مساعدی را برای مشروعیت‌بخشی به ایده تداوم نظام تحریمی علیه تهران ایجاد کند.

**تقسیم کار با آمریکا و اروپا**

آمریکا در شرایط کنونی با توجه به نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری این کشور و همچنین تشدید تقلبات آن با چین و روسیه، از تمرکز بر مسأله ایران دور شده است. البته که به صورت سنتی، هر زمان که تنور رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا گرم می‌شود، مسأله ایران نیز تا حد زیادی از عرصه معادلات سیاسی این کشور به حاشیه رانده می‌شود. موضوعی که در بحبوحه جنگ اوکراین و همچنین تمرکز دولت بایدن بر فعالیت‌ها و سیاست‌های چین در شرق آسیا، ابعاد جدی‌تری را نیز به خود می‌گیرد. در عین حال، اروپایی‌ها نیز با چالش‌های اقتصادی دیده‌مسأله جنگ اوکراین دست به گریبان هستند و از تمرکز کافی جهت تقلیل با ایران با محوریت پرونده اتمی این کشور برخوردار نیستند. از این رو، اینطور به نظر می‌رسد که بخشی از موضع‌گیری‌های رافائل گروسی در مدت اخیر علیه ایران، معطوف به نوعی تقسیم کار بینشان با آمریکا و اروپا بوده است. در واقع، احتمالاً رافائل گروسی با توجه به برگزاری نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، سعی داشته تا موح جدیدی را علیه ایران ایجاد کند تا شاید زمینه‌های مساعدی را در قالب تشدید فشار علیه تهران فراهم سازد و تا حدی ایران را وادار به همکاری‌های بیشتر با آژانس کند. البته که در قالب این سناریو، همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، با توجه به سوخت شدن بسیاری از کارت‌های آمریکا و اروپا علیه ایران، اینطور به نظر می‌رسد که گروسی در نقش یک بازیگر نیابتی برای کنشگران مذکور فعالیت می‌کند و در عین حال، سعی در جلب توجهات بین‌المللی به سمت پرونده اتمی ایران در بحبوحه برگزاری نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک داشته است.

**تداوم گفتمان غیرمنطقی اتمی علیه ایران**

یکی از نقدهای جدی به رویکرد رافائل گروسی در مورد ایران و پرونده اتمی این کشور، معطوف به این گزاره است که اساساً گروسی در رابطه با مسأله مذکور، به گفتمانی غیرمنطقی متوسل شده است. در این چارچوب اینطور به نظر می‌رسد که دبیر کل آژانس، هنوز کلیت ماجرا که عامل اصلی ایجاد شرایط کنونی در قالب معادله اتمی ایران و عبور این کشور از بسیاری از خط‌مزمهای اخذ شده در برجام، به‌دعده‌های غربی بوده را از نظر ذهنی نپذیرفته است. در این راستا، دبیر کل آژانس از حالت بی‌طرفی خود تا حد زیادی خارج شده و صرفاً در موضع‌گیری‌های خود در رابطه با ایران، به دنبال محدودسازی ایران و امتیازگیری از این کشور است. در سال‌های گذشته، دبیر کل‌های مختلفی در آژانس فعالیت داشته‌اند و درگیر پرونده اتمی ایران بوده‌اند با این حال، رافائل گروسی در اتخاذ مواضع یکجانبه در قالب پرونده هسته‌ای ایران، به نسبت دیگران، پیشروتر بوده است.

**مقدمه چینی برای تشدید تنش‌های هسته‌ای با تهران**

در نهایت باید گفت که یکی دیگر از سناریوهایی که احتمالاً رافائل گروسی دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با در نظر گرفتن آن، اقدام به تشدید موضع‌گیری‌های منفی خود علیه کشورمان در چند وقت اخیر کرده، معطوف به مقدمه‌چینی او جهت افزایش تنش‌های اتمی با تهران است. مسأله‌ای که مخصوصاً در قالب نشست‌های دوره‌ای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معنا و مفهوم خاصی پیدا می‌کند و اوج‌گیری انتخابات گروسی از ایران، به نوعی سعی در فراهم کردن زمینه‌های لازم برای امتیازگیری‌های آژانس از ایران دارد.

**در پیچه**

**سفیر سابق ایران در ارمنستان مطرح کرد:**

**نظارت تهران، آنکارا و مسکو بر توافق قره‌باغ**

سفیر پیشین ایران در ارمنستان در ارزیابی توافق بین آذربایجان و ارمنستان روی مسأله قره‌باغ اظهار داشت: به نظر من قطعاً فشارهایی که روی دولت آذربایجان از طرف ما در هفته گذشته بود و نکاتی که رئیس‌جمهور در نیویورک در مسأله آخر شارن آغلار کردند که منطقه‌ی جمع و توان چنین جنگ طولانی را ندارد و از طرف دیگر فشار مسکو در این زمینه باعث شد تا این توافق به دست بیاید. نکته بعدی هم مربوط به وضعیت ارمنه است. نیزه‌های نظامی ارمنه در قره‌باغ بعد از شکل‌گیری دولت آقای پاشینیان هم عوض شدند و آنها هم تمایل و توان درگیری نظامی و جنگ را نداشتند. بنابراین دو طرف در حال مذاکره هستند و دور اول مذاکرات تمام شده است و به نظر من مطلب خیلی روشن و واضح است. چیزی هم که آقای علی‌اف خواستار آن بود، در یک عملیات یک روزه بسیار کوتاه به دست آورده است. علی ستقایان در خصوص عوامل سرعت بخشیدن به این توافق گفت: تحلیل شخصی من این است که این اتفاق حاصل توافق پنهان پشت پرده‌ای بوده که بین پاشینیان و الهام‌علی‌اف نوشته شد. زمانی که پاشینیان روی کار آمد، ما شاهد پیشروی نیروهای نظامی در جنگ ۲۰۲۰ بودیم، به نظر من این موضوع یک توافق بود. کما اینکه قبلاً هم آقای پاشینیان رسماً اعلام کرد که قره‌باغ را جزو حاکمیت آذربایجان می‌داند، بنابراین این موضوع جای تعجب ندارد که به توافق رسیده‌اند. وی در خصوص راهکارهای تداوم بیشتر این صلح افزود: قطعاً یاری و تعهد طرفین و مسئولان باکو و ایروان که جز اولین حافظان و ناظرین این مسأله هستند، در این زمینه موثر است و آنها می‌توانند بر پابندی طرفین به تعهدات نظارت کنند تا صلح ادامه داشته باشد و بعد از آن ناظرین دیگر توافق‌نامه مانند مسکو، تهران و آنکارا نیز اهرم‌های دیگری هستند که می‌توانند برای عملیاتی شدن این توافق‌نامه و تداوم این صلح فعال شوند. ستقایان در خصوص نقش ایران در این توافق تصریح کرد: ایران ابتدا بعد از مذاکراتی که طرفین باکو و ایروان داشتند، رسماً موضع خود را اعلام کرد که قره‌باغ را جزو خاک آذربایجان می‌داند. از طرف دیگر رایزنی‌های فعال وزیر امور خارجه با دو طرف و همچنین مذاکرات مقامات نظامی ما حاکی از این مسأله است و همچنین سفر وزیر خارجه ترکیه به تهران و مسائل مطرح شده نشان می‌دهد که وزنه ایران در این توافق قطعاً سنگین بوده است.

**شادی زمانی وجود دارد که مردم رفاه داشته باشند و از زندگی خوبی برخوردار باشند. این در حالی است که وضعیت زندگی مردم ایران سخت شده است و علاوه بر چالش‌های مهم اقتصادی آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی نیز در بین مردم بیشتر از گذشته شده است. شرایط اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم به شکلی است که به راحتی می‌توان به وخامت اوضاع پی برد و خط فقر را بر اساس واقعیت‌ها مشخص کرد. با گرانی گوشت، مرغ، تخم‌مرغ، شیر و... شرایط به شکلی شده که یک کارگر، کارمند یا بازنشسته با مشکلات جدی در تأمین مایحتاج زندگی خود مواجه شده است.**